

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان

بررسی اصول دادرسی منصفانه در دادگاه انقلاب

استاد راهنما

آقای دکتر حسن فرهودی نیا

استاد مشاور

آقای محمود شیخ زاده

نگارش :

بهزاد نورزاده

دانشگاه تبریز - سال ۱۳۹۲

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱۴.....	الف- ادبیات و پیشینه موضوع:
۱۴.....	ب- ضرورت و اهمیت تحقیق
۱۵.....	ج- سوالات تحقیق و روش تحقیق
۱۵.....	د- ساختار تحقیق
۱۶...	فصل اول: پیشینه دادگاه انقلاب و اصول ناظر بر دادرسی منصفانه در مرحله پیش از محاکمه ...
۱۷.....	مبحث اول: پیشینه تاریخی
۱۸.....	گفتار اول: دادگاه انقلاب در فرانسه
۱۹.....	گفتار دوم: دادگاه انقلاب در آلمان
۱۹.....	گفتار سوم: دادگاه انقلاب در ایران
۲۱.....	گفتار چهارم: صلاحیت دادگاه انقلاب در قوانین ایران
۲۱.....	بند اول - صلاحیت دادگاه انقلاب از سال ۱۳۵۸ تا قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳
۲۴.....	بند دوم: قوانین سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱
۳۰.....	بند سوم: دادگاه‌های انقلاب در قانون جدید آیین دادرسی کیفری
۳۱.....	مبحث دوم: اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در مرحله پیش از محاکمه در دادگاه انقلاب
۳۳.....	گفتار اول: قانونی بودن تعقیب و بازداشت
۳۸.....	بند اول: حق برقراری ارتباط با خارج از محیط بازداشت
۴۱.....	بند دوم: ممنوعیت شکنجه و حفظ کرامت شئون انسانی در طول بازداشت
۴۴.....	بند سوم: تحقیقات مقدماتی
۴۷.....	گفتار دوم: اصول ناظر بر تامین حقوق دفاعی متهم
۴۸.....	بند اول: حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام
۵۰.....	بند دوم: حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع
۵۳	فصل دوم: اصول ناظر بر دادرسی منصفانه در مرحله ی محاکمه و پس از آن در دادگاه انقلاب.
۵۴.....	مبحث اول: دادگاه صالح و برگزاری محاکمه

۵۵	گفتار اول: بررسی حق دسترسی به دادگاه صالح
۵۷	بند اول: استقلال دادگاه
۵۹	بند دوم: بی طرفی دادگاه و قاضی
۶۱	بند سوم: دادگاه صالحی که به موجب قانون تشکیل می شود
۷۰	گفتار دوم: حق علنی بودن دادرسی
۷۱	گفتار سوم: استثنای علنی بودن دادرسی
۷۴	مبحث دوم: فرض بی گناهی متهم
۷۵	گفتار اول: تکلیف مقام تعقیب بر اثبات گناهکاری متهم
۷۷	گفتار دوم: حق حضور متهم در جلسات دادگاه و دفاع از خود
۷۷	بند اول: رسیدگی حضوری
۷۹	بند دوم: حق متهم بر برخورداری از مساعدت یک مترجم رایگان
۸۰	بند سوم: حق متهم بر دفاع از خویش و داشتن وکیل
۸۴	بند چهارم: حق مواجهه با شهود مخالف و تسهیل ادای شهادت شهود موافق
۸۵	گفتار سوم: رسیدگی در مهلت معقول
۸۸	مبحث سوم: حق تجدید نظر خواهی
۸۹	گفتار اول: آراء قابل تجدید نظر و جهات آن
۹۴	گفتار دوم: مراجع تجدید نظر و نحوه رسیدگی آن
۹۶	گفتار سوم: تجدید نظرا حکام جرایم مربوط به مواد مخدر
۹۹	گفتار چهارم: حق جبران خسارت ناشی از اشتباهات قضایی
۱۰۲	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۰۸	منابع و ماخذ

برابری افراد در روند رسیدگی از الزامات بسیار مهم هر دادرسی می باشد چرا که دادرسی عادلانه یکی از مهمترین شاخصه های سنجش توسعه اجتماعی و قضایی هر جامعه به شمار می رود. ارزیابی عادلانه بودن دادرسی تنها از طریق تعریف استانداردهایی به عنوان حداقل های لازم برای عادلانه شمردن روند آن دادرسی امکان پذیر است. به عبارت دیگر، هرگاه بتوان معیارهایی عینی برای سنجش رعایت عدالت در یک دادرسی ارائه نمود می توان به دقت در خصوص اجرای عدالت و برابری در مرحله رسیدگی به اختلافات، در هر مورد اظهار نظر دقیق تری به عمل آورد.

برای بیان این معیارها و استانداردها لازم می آید که خود این حق نیز برای بشر به عنوان یکی از حقوق طبیعی شناخته و تعریف شود و لیاقت و شایستگی دارا شدن این حق برای آدمی اثبات و تثبیت شود. یکی از اسبابی که قابلیت دار شدن این حق بر انسان را تشریح می کند آزادی و برابری انسانهاست آزادی در مفهوم موسع همان قدرت بر تفکر و یا انجام عمل توسط فرد بر اساس اراده و خواست خود است^۱.

آدمی که خود را جزئی از این دنیای بی کران هستی می بیند به ناچار پا در بند قوانین این جهان می نهد و با آن ادغام می شود. در جریان زندگی هر انسان، روابط پیچیده و فراوانی میان او و محیط که شامل طبیعت و سایر انسانهاست برقرار می شود. یک فرد با سایر انسانها، در درون مجموعه ای که جامعه نامیده می شود، در تعامل همیشگی به سر می برد. امیل دور کیم جامعه شناس فرانسوی جامعه را همانند موجودی زنده می داند و معتقد است «همانطوریکه هر جاننداری تنها از اجتماع ساده، سلولها به وجود نیامده، و دارای حس عمومی یا حیات می باشد، جامعه نیز تنها از گرد آمدن ساده افراد تشکیل نیافته، بلکه دارای روح و وجدان^۲ جمعی است.» منظور دور کیم از وجدان و روح جمعی، مجموعه اعتقادات و احساسات مشترکی است که میان اعضای یک جامعه وجود دارد. ایشان معتقدند که این اعتقادات و روح جمعی به معنای دیگر ارتباطات میان افراد

۱- قاری سید فاطمی، سیدمحمد، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق تعهد، آزادی، برابری عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴-۱۳۸۰، صص ۱۴-۱۵

2-Conscience collective

جامعه به وسیله مقررات، موسسات، و به عبارت دیگر نهادهای اجتماعی مستحکم شده است. و برای حفظ این روابط، مکافات‌ها و ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفته شده است.^۱

امروزه مشاهده می‌شود که به روشنی جوامع سازمان یافته، برای حفاظت از کیان جامعه، این‌گونه رفتار می‌کنند که نخست با تصویب قوانین، باید و نباید‌هایی را تعیین می‌کنند که همان جلوه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست که پرتو شعاع آن از هر مسافتی برای حقوق دانان مشخص و معلوم است، و شهروندان را ملزم به تبعیت از آنها می‌کنند، و در برابر افرادی که از اطاعت هنجارهای قانونی جامعه، سر باز می‌زنند حکومت با ضمانت‌های رسمی قانونی، و با کمک دستگاه‌های قضایی و اجرایی از جامعه دفاع می‌کند.

بنابراین به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که اصل بر آزادی افراد است و حدود آن را بنا بر ضرورت‌های اجتماعی و ویژگی‌های هر جامعه، قانون‌گذار معین می‌کند.

ضمانت‌های اجرایی که امروزه برای نقض قوانین متداول هستند، متنوع‌اند و دارای ویژگی‌های کیفری یا غیر کیفری‌اند آنچه که در این جامعه مد نظر ماست، ضمانت‌های اجرایی است که جنبه کیفری دارد. و در محدوده آن انواع مختلفی از مجازات‌ها اعم از سلب حیات، سلب، و یا محدود نمودن آزادی و غیره وجود دارد از جمله ضمانت‌های متداول، در کلیه جوامع امروزی، سلب و یا محدود نمودن آزادی افراد است وقتی قانونی که دارای ضمانت اجرای رسمی است زیر پا نهاده می‌شود و به عبارت دیگر، وقتی جرم ارتکاب می‌یابد ناگزیر فرد یا افرادی از سوی جامعه به ارتکاب آن متهم می‌شوند در این مرحله اصل برائت و از جمله نتایج آن رعایت آزادی فردی است، که ایجاب می‌کند که هیچ تضییقی بر فرد وارد نشود و اینجاست که به وضوح نقش یک دادرسی عادلانه، با تمام الگوها و معیارهای استاندارد خود جلوه می‌کند. که مقدمه‌ای آن شناخت این حق برای بشر است. به همین خاطر است که تاریخ بشر نمایشگر، تکاپوی آدمیان برای تضمین رعایت حیثیت و کرامت انسانی است. مفهوم حقوق بشر را متفکرانی از سنت‌های دینی و فرهنگی متفاوت ابداع کرده و گسترش داده‌اند که امروزه می‌توان گفت حقوق بشر «مجموعه‌ای از ضوابط رفتاری و موازین سنجش

۱- دورکیم، امیل، تقسیم کار اجتماعی، نشر مرکز، چاپ ۱۳۹۲، ص ۲۵۸

حقایق است که دولتهای عضو جامعه بین المللی بر مبنای سنت‌های فکری و فلسفی، احکام دنیوی و جهان‌بینی‌ها به اتفاق، از صافی گذرانده اند و سرانجام به صورت مجموعه ای بین المللی از قواعد رفتاری در آورده اند.^۱

پس از تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و ورود با شکوه فرد به عرصه بین المللی، جامعه جهانی در زمینه بزرگداشت بشر و بسط حقوق و آزادیهای او تحول آشکار و توسعه روز افزونی یافته است از آن تاریخ تا به امروز اسناد بین المللی و منطقه ای فراوانی پیرامون مفاهیم و معیارهای حقوق بشر و آزادیهای اساسی فرد به تصویب رسیده است.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ به عنوان یک سند بین المللی مؤثر و الزام آور برای کشور های تصویب کننده آن در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، با هدف جامه عمل پوشاندن به بعضی اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید. میثاق ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوقی همچون حق حیات، حق احترام به زندگی خصوصی، حق برخورداری دادرسی منصفانه، آزادی بیان، آزادی دین، شکنجه و برابری در قانون را، تشریح می کند. که به اندازه ای این حقوق مهم اند که کمیته حقوق بشر نیز به عنوان مرجع ناظر بر اجرای میثاق تعیین و آن نیز حق آزادی و امنیت را از جمله مهمترین حقوق بشر مورد تاکید قرار می دهد.^۳

این حقوق به ویژه آنچه که به مسائل کیفری و جزایی مربوط می شود همواره در سطح بین المللی از اهمیت دو چندانی دارا بوده اند چرا که شخصیت و آزادی افراد در مرتبه بالا از حقوق مالی اشخاصی قرار می گیرد به عنوان مثال از مجموعه اصول و حقوقی که مربوط به رسیدگی های کیفری است، مواد ۱۰، ۱۱، ۱۰، ۰۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۴، ۱۰، ۰۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به تفصیل (به ویژه ماده ۱۴ میثاق) به بیان آنها پرداخته اند این اصول که به اصول دادرسی منصفانه مرسوم شده اند، در آراء مختلف «کمیته حقوق بشر» نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

۱- فلسفی، هدایت الله، جایگاه بشر در حقوق بین المللی معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ص ۲۲۱

2- International on civil and Political Rights

۳- آشوری، محمد، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از آزادی و امنیت شخصی، نشریه حقوق، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳

حقیقت و اهمیت این حقوق درست است که در قانون آیین دادرسی کیفری بر کسی پوشیده نیست اما آنچه که به نظر آیین دادرسی کیفری را میان سایر قوانین متمایز جلوه می‌دهد، عملکرد هر حکومت در نحوه قانونگذاری در این قوانین و چگونگی کاربرد این مقررات است چرا که به جرأت می‌توان گفت که هر دادرسی کیفری نحوه عمل هر حکومتی را نسبت به ایجاد یک دادرسی منصفانه مبتنی بر تمام اصول حاکم بر آن را نشان می‌دهد حکومتی که با کمک یک قانون آیین دادرسی صحیح و اصولی، ضمن رعایت جنبه‌های مختلف حقوق متهم (اعم از حقوق دفاعی و رعایت حق آزادی او) یک دادرسی عادلانه را به منصفانه ظهور می‌رساند، به روشنی موضع خود را در برابر همگان می‌نماید.

به نظر برای قضاوت در مورد یک دادرسی عادلانه، که آیا در روند دادرسی یک حکومت به چه میزان رعایت می‌شود. باید نگاه به قوانین آن کرد و ملاک و مؤلفه‌های اصول دادرسی حاکم بر یک دادرسی منصفانه را در آن جستجو کرد. حتی امروزه توسعه یافتگی حقوق کیفری نیز با این معیارها سنجیده می‌شود فهرستی از این اصول به شرح ذیل می‌باشند.

حق رهایی از دستگیری و بازداشت غیر قانونی و خود سرانه، حق برقراری ارتباط با محیط خارج از محل بازداشت، حق متهم بر حضور فوری در برابر مقام قضایی، ممنوعیت شکنجه و حق برخورداری از رفتار و شرایط انسانی در طول مدت بازداشت، حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام، حق برخورداری از معاضدت وکیل در مرحله پیش از محاکمه، حق متهم بر اعتراض به قرار بازداشت موقت، حق دسترسی مساوی افراد به دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، حق علنی بودن دادرسی، فرض بی گناهی متهم، حضور متهم و دفاع از خود در جلسات دادگاه، حق متهم بر برخورداری از مساعدات مترجم به طور رایگان، حق مواجهه با شهود مخالف و تسهیل ادای شهادت شهود موافق، حق رسیدگی در مهلت معقول، حق تجدید نظر خواهی و حق جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی.^۱

و در مرحله دوم باید ساختار تشکیلات محکمه را بررسی کرد که در آن قواعد و مقررات آیین دادرسی کیفری به اجراء در می‌آید، چرا که یکی از بنیادی‌ترین اصول دادرسی عادلانه برخورداری از دادگاه مستقل و صالح

۱- امید، جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین‌المللی، نشریه علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۳۲

است. این حق که با بی طرفی قاضی ارتباط نزدیک دارد در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۷ بدین نحو مقرر شده است «هر کس در تعیین حقوق و تعهدات خویش و هر گونه اتهام جزایی که به او وارد می‌شود با مساوات کامل حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی را در دادگاه مستقل و بی طرف دارد.»^۱

در اصل ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص آمده است «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد منع کرد»^۲

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت حمایت از حقوق دادخواهی و دفاع، تضمینات مهمی مقرر کرده که نشان از توجه قانون برتر بر شکل‌گیری دادرسی منصفانه می‌باشد و در خصوص انصاف مذکور در کشور یک سری اصول اساسی و مهم مد نظر و توجه قرار گرفته است که به اختصار خواهد آمد. لازم است یادآور شویم توجه قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی - سیاسی هر جامعه سیاسی انتظام بخش کلیه امور و شئون و تعیین‌کننده روابط متعادل زمامداران و فرمانبرداران آن جامعه است. التزام عملی بر اجرای این قانون مهم، ابواب و منافذ استبداد را مسدود و کرامت انسانی، حرمت، آزادی و حرمت افراد را تضمین و موجبات تلاش برای استقرار عدالت سیاسی و اجتماعی را در جهت برخورداری از دادرسی منصفانه فراهم می‌نماید.

اصول اساسی عدالت و انصاف مورد توجه در قانون اساسی عبارتند از:^۴

۱- حاکمیت قانون؛ حاکمیت قانون نه تنها یکی از مهمترین اصول حقوقی است، بلکه به عنوان حقی بنیادین، حاکمیت مردم را که دادرسی عادلانه نیز از اوصاف آنست تحت شعاع قرار داده و ابزاری سودمند در جهت جلوگیری از هرج و مرج و برقراری نظم اجتماعی به حساب می‌آید. از همه مهمتر ابزاری برای مهار

۱- ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲- اصل ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳- مؤذن زادگان، حسن علی، حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار ۱۳۷۷، شماره ۹

۴- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، (تهران، نشر میزان چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴)، ص ۱۸۵.

قدرت اعم از سیاسی و حقوقی و بالتبع آن حقوق اجرایی و اداری و نیز جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی از آن است. قوانین اساسی باید چنین اصلی را به رسمیت شناخته و راههای اجرای آن را نیز تبیین و تضمین کنند^۱.

بر اساس این اصل، قدرت و اختیار قانونی، هیچ گاه بدون ضابطه نباید اعمال شود و انجام کلیه امور سیاسی، اداری، قضایی و شبه قضایی و اتخاذ هرگونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید برطبق قانون باشد. لذا تمام اعمال حاکمیتی در چارچوب قانون اساسی قرار می گیرد و زمامداران مسئول اعمال خویشتن می شوند. بدین ترتیب اصل حکومت قانون به کوتاه سخن عبارت از این معنی خواهد بود که رفتار دولت با مردم مطابق با قانون باشد. البته قانونی که متضمن عدالت باشد. چرا که مشروعیت قانون به لحاظ ماهوی، در عادلانه بودن آن است، همان طور که عادلانه بودن رفتار به لحاظ شکلی در قانونی بودن آن است. بنابراین هرگاه ملاک احراز عادلانه بودن محاکم را به آن قاعده معروف بازگردانیم که «عدالت نه فقط باید اجرا شود بلکه اجرای آن باید مشهود و محسوس باشد»، به یقین این نتیجه حاصل خواهد شد که دادرسی توسط یک مرجع غیر قانونی، عادلانه به نظر نمی رسد.

قوانین و بالاحص قانون اساسی به عنوان مادر قوانین داخلی باید دارای یک سری ویژگیهای اصلی و اساسی به قرار زیر باشند:

الف) مشروعیت قوانین: در نظامهای استبدادی به نظر می رسد قوانین فاقد عنصر حقانیت و مشروعیت باشند زیرا قانونی حقانی است که توسط یک پارلمان مردمی و منشعب از آراء عمومی صادر می شود و در نظامهای مردم سالار وضع به گونه ای دیگر است و یک میثاق ملی به نام قانون اساسی تنظیم کننده ی روابط میان حکومت و مردم است که دیگر قوانین نیز با معیارهای آن سنجیده می شود. در نظام جمهوری اسلامی نیز با توجه به اصول چهارم و هفتم و یکم قانون اساسی دو معیار شرع و قانون اساسی برای قوانین در نظر گرفته

۱- زارعی، محمدحسین، «تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حکمت قانون»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۸، بهار ۸۶، ص ۲۷.

شده است، که با در نظر گرفتن اصولی دیگر چون اصل نهم^۱ و بند (۱۴) اصل سوم^۲ و اصل نود و یکم^۳ می توانیم به قوانین عادلانه دست یابیم.

ب) کلیت و غیرشخصی بودن قانون: قوانین باید عمومی باشند. یعنی برای همه مردم در یک سطح رفتار شود و همه افراد در برابر قانون برابر باشند. کلیت قانون به آن وصف غیرشخصی می‌بخشد و امکان هرگونه استبدادگری و جانبداری به نفع فرد یا علیه فرد را از اعمال کننده آن را سلب می‌نماید. در این ارتباط اصل نوزدهم قانون اساسی اشعار می‌دارد که: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ایی که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود»، و نیز اصل بیستم اشاره دارد به اینکه «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قراردارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». بند (۱۴) و (۹) اصل سوم و به نوعی اصول یکصد و سیزدهم و ذیل اصل یکصد و هفتم نیز، به وضوح متذکر برابری همه افراد جامعه در مقابل قانون شده‌اند.

ج) عطف به ما سبق نشدن قانون: امنیت شهروندان مستلزم آن است که وضعیت موجود حقوق مکتسب قبل از تصویب قانون جدید نباید مورد تعرض این قانون قرار گیرد. این موضوع در اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی^۴ و ماده (۴) قانون مدنی^۵، به صراحت قید شده است. زیرا اگر قانون عطف به ماسبق شود هیچگونه حقوقی چه در حوزه قضایی و چه در حوزه شبه قضایی و اداری برای حفظ و بقای حقی که قبلاً ایجاد شده است، وجود نخواهد داشت و ناگزیر منجر به بی ثباتی و بی عدالتی در سیستم دادرسی خواهد بود.

۱- «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر است و حفظ آن وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد نماید و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.»

۲- «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»

۳- این اصل در ارتباط با نحوه انتخاب اعضای شورای نگهبان است که به وظیفه پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها می پردازد.

۴- «هیچ فعل یا ترک فعل به موجب قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.»

۵- «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد»

۲- اصل دادگستری شایسته: یکی از اصول اساسی برای تأمین قضاوت عادلانه وجود دستگاه قضایی شایسته ایی است که با پذیرش احقاق حقوق دادخواهان و تنبیه متجاوزان، عدالت و صلح را گسترش دهد. که البته وجود این امر شرایطی را می طلبد از جمله این شرایط می توان به :

الف) قابل دسترسی بودن دادگاه صالح برای دادخواهی: این اصل بدین معناست که هر شخص هم حق داشتن مراجعه مساوی به دادگاه و هم حق برخورد و رفتار یکسان از جانب دادگاه را به یک اندازه داشته باشد.^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی صریحاً متذکر این امر شده است و در اصل سی و چهارم خود اعلام نموده است که : «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون همه حق مراجعه به آن را دارند منع کرد». بدین ترتیب مشاهده می گردد که قانون اساسی حق دسترسی همگان به دادگاه صلاحیتداری را که به موجب قانون معین می گردد، به رسمیت شناخته است.

ب) استقلال مراجع دادرسی: بی تردید استقلال محاکم و مراجع دادرسی، تأمین استقلال در مقابل دخالت ارکان و نهادهای دولتی و یا اشخاص خصوصی، در وظایف قضایی و شبه قضایی مراجع رسیدگی کننده به دعاوی است. در واقع استقلال مراجع، تشریح کننده تأمین بنیادین و ساختاری، در مقابل دخالت دیگران در وظایف مراجع مذکور می باشد. در سیستم قضایی و شبه قضایی هر دادرسی باید به تنهایی و بدون دخالت دولت یا سایر ارکان آن بتواند به پرونده ها رسیدگی نماید. لازمه استقلال مذکور نیز این است که این استقلال توسط دولت تضمین شود و به نحوی در قانون منعکس گردد. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی بیان می دارد که : « قوه قضائیه قوه ایست مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت... است». همچنین در اصل پنجاه و هفت خود بیان می دارد که: « قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت

۱- ایزد پناهی، جهانگیر، بررسی تحلیلی قانون، آیین دادرسی و رویه قضائی دیوان عدالت اداری در پرتو عدالت طبیعی، پایان نامه ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران (پردیس قم)، دی ماه ۸۵، ص ۳۰

برطبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». اصل یکصد و شصت و چهارم نیز به عنوان اصل دیگری از قانون اساسی که اشاره به استقلال مراجع دادرسی دارد، منع عزل دادرسان را بدون محاکمه و ثبوت جرم و منع انتقال بدون رضایت را بیان داشته است. مگر اینکه این انتقال به اقتضای مصلحت جامعه باشد. مجموع این اصول بیانگر معیارهای تأمین استقلال و امنیت شغلی دادرس طبق قانون اساسی است.

ج) مسئولیت دادرس یا مرجع رسیدگی: در صورتیکه شخصی به موجب رأی نهایی دادگاه یا مراجع خاص دادرسی محکوم گردد و متعاقب محکومیتش به دلیل کشف حقیقتی جدید مبنی بر ناعادلانه بودن محاکمه قبلی وی، یا اشتباه قضایی در صدور حکم، حکم وی نقض شود یا اینکه سوای این قضایا مورد عفو قرار گیرد، شخص زیان دیده می بایست بتواند خسارت وارده بر خود را از مقصر مطالبه نماید. بر این اساس اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی اشاره دارد به اینکه، هرگاه در اثر اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. همه این اصول و قوانین بیانگر اینست که دادگاه صالح از اجزاء تأثیر گذار در روند یک دادرسی عادلانه است چرا که هر دولتی در پرتو یک نهاد قضایی عادل با حسن تدبیر در پیشبرد اهداف قضایی خود می تواند حاکمیت ملی خود را تقویت کند. حق محاکمه شدن در یک دادگاه صالح و بی طرف در چنین حکومتی آن را از نفوذ قوای دیگر در امان نگاه می دارد. و بر این اساس این نوع رسیدگی همراه می شود^۱ با استقلال و به دور از جانبداری طرفین دعوا و عاری از هر گونه پیش داوری، چرا که هر گونه دخالت در صلاحیت دادگاه می تواند بی طرفی دادگاه را خدشه دار نموده و آن را از روند دادرسی منصفانه دور و موجب تضعیف حق متهم شود.

اما اگر نگاهی بر سیر تحولات حقوقی در طول تاریخ بیاندازیم خواهیم دید که به خاطر به وجود آمدن نظام های مختلف دادرسی، حقوق متهمین در برخورداری از محکمه با تمام مؤلفه های مربوط به دادرسی

۱- اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منصفانه گاه محدود و گاهی به عنوان یک عامل منفی در مورد حقوق اشخاص به کار برده شده است. از معروفترین این نظام ها می توان به نظام اتهامی، تفتیشی و نظام مختلط اشاره نمود. بررسی این نظام ها می تواند کمک شایانی در نقد و بررسی محاکم نسبت به اصول دادرسی منصفانه داشته باشد و همچنین با مشاهده نتایج این سیستم ها و معایب آن راه را، برای هر چه بهتر شدن روند دادرسی عادلانه هموار کرد. اولین نظام مورد بررسی، نظام اتهامی می باشد. این نظام قدیمی ترین شیوه رسیدگی به دعاوی است، این شیوه از لحاظ تاریخی در خاور نزدیک (سومر و بابل) روم، یونان قدیم و در فرانسه پس از هجوم وحشیان به ویژه در قرن نهم میلادی وجود داشته و درحال حاضر نیز با تغییراتی چند و تحولاتی اجتناب ناپذیر، در کشورهای آمریکای شمالی، کانادا، انگلستان و بسیاری از مستعمرات سابق بریتانیای کبیر بر رسیدگی های کیفری حاکم است. در مقررات دادگاه های عمومی و انقلاب نیز برخی از ویژگی های نظام اتهامی به چشم می خورد. ویژگی های نظام مزبور به شرح ذیل است.^۱

الف - ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی: در این نظام به ویژه در گذشته دور، به علت عدم تفکیک دقیق مجازات از جبران خسارت که خود نتیجه عدم تفکیک نظم عمومی از منافع فردی است، تعقیب متهم فقط در صورت شکایت زیان دیده از جرم و مراجعه او به قاضی امکان پذیر بوده است. قاعده معروف و قدیمی «در صورت فقدان شاکی قاضی حق دخالت ندارد».

در این نظام برای جلوگیری از طرح شکایت های ناروای شاکی را سوگند می دادند که از دعوای خود تا پایان محاکمه صرف نظر نکند و الا به مجازات اتهامی که به دیگری وارد آورده، یا حسب مورد به مجازات دیگر محکوم می شد.

ب - شفاهی بودن رسیدگی: شفاهی بودن به این معناست که به علت محرومیت مردم از نعمت سواد و کتابت دادرسی کلاً با بیان شفاهی ادعا از سوی شاکی و دفاع حضوری متهم صورت می پذیرفت.

ج - علنی بودن محاکمه: کلیه اشخاص که قصد شرکت در محاکمه را داشتند می توانستند در جلسه دادرسی حضور یافته، و محاکمه را مشاهده نمایند.

۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

د- توافقی بودن دادرسی در نظام اتهامی: شاکی باید کلیه ادله موجود علیه متهم را تا جلسه ارائه کند. به علت فقدان مرحله بازرسی یا بازجویی، مقدم بر جلسه محاکمه، متهم لاقبل در جلسه رسیدگی از کلیه اتهامات و ادله مثبت آن اطلاع می‌یافت و آزادانه با هم بحث می‌کردند و در نهایت با در نظر گرفتن ادله طرفین، اقدام به صدور رأی می‌کردند.

ه- رعایت تساوی بین اصحاب دعوا: این مهم که از ویژگیهای اصلی در یک دادرسی منصفانه است از افتخارات این نظام تلقی می‌شود که از نظر فقهای امامیه نیز از واجبات تلقی می‌شود. «برابر داشتن مدعی و مدعی علیه، خواه هر دو مسلمان باشند یا هر دو کافر»، در نظام های نوین رسیدگی رعایت تساوی بین اصحاب دعوا فقط تکلیفی نیست که بر عهده قاضی نهاده شده باشد، مقنن نیز به نوبه خود مکلف به وضع قوانین به گونه ای است که رعایت حقوق اصحاب دعوا، جهت برگزاری یک دادرسی عادلانه فراهم کنند. از این تکلیف به «تساوی سلاح ها»^۱ تعبیر می‌شود. این شیوه گرچه از لحاظ سیاسی با اصول دموکراسی سازگارتر و از دیدگاه قضایی، به دلیل آنکه تشریفات را به حداقل تقلیل داده بود، با وضع جوامع آن زمان، مناسبت بیشتری داشت، نظام اتهامی کنونی کشورهای آنگلو ساکسون که نظام تکامل یافته است، از برخی جنبه ها به ویژه رعایت جنبه توافقی رسیدگی، با نظام اتهامی گذشته شباهت زیادی دارد به همین دلیل در این کشورها، رعایت حقوق متهمان در رسیدگی های کیفری بیشتر ملحوظ می‌شود.

با این همه نظام مزبور ایراداتی نیز دارد: نخست این که قاضی در جریان رسیدگی نقش حکم و داور را ایفا می‌کند و از تحصیل دلایل و کوشش در راه، وصول به حقیقت، ممنوع است. برای رفع این اشکال مواد ۵۰۶، ۵۰۷ قانون آیین داری کیفری ایتالیا (۱۹۸۸) همانند ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب دادگاه را مجاز به طرح پرسشهایی ضروری جهت نیل به حقیقت و اقناع وجدان قضات دانسته اند دوم اینکه بسیاری از جرائم به علت ترس شاکی از متهم بدون تعقیب می‌ماند و سوم اینکه از تهدید به طرح دعوای واهی جزایی علیه اشخاص بیگناه و در نتیجه اخاذی از آنان جلوگیری نمی‌کند.

۱- شیخ بهایی، محمد بن حسن، انتشارات فراهانی، نشر تهران، جلد اول، جامعه عباسی، ص ۲۳۵

از دیگر معایب این نظام وجود ادله اثباتی به نام اوردلی و دوئل می‌باشد کلمه نخست به معنی داوری ایزدی می‌باشد که داستان سیاوش را بر ذهن یادآوری می‌کند شیوه ای دور از عقل و منطق که نمی‌تواند پاسخگوی بار سنگینی به نام اتهام، جرمی را بر دوش کسی نهد یا از دوش او بردارد و دوئل نیز که در قرن ۱۳ میلادی عالی‌ترین دلیل محسوب می‌شد. نیز از لحاظ بار اثباتی، محکوم به همان عصر شد. و منسوخ گردید.

به دنبال معایب و ایراداتی که در مورد سیستم دادرسی اتهامی بیان گردید و به تدریج مورد توجه حقوقدانان و افراد جامعه قرار گرفت و همچنین نکات ضعف محاکمات کیفری را آشکار ساخت سبب شد که سیستم فوق به مرور ارزش و اهمیت و اعتبار مطلق سابق خود را از دست بدهد و روش دیگری بنام نظام تفتیشی پا به عرصه علوم کیفری نهد. اصول مهم این سیستم به شرح ذیل می‌باشند.

الف - مقام و مرجع خاصی وجود دارد که عهده دار تعقیب جرایم است در نتیجه اختیار تعقیب بزه‌ها، در بعضی از موارد از اراده شاکی خصوصی خارج می‌شود. و بدون شکایت او نیز تحت پیگرد قرار می‌گیرد.^۱
ب - قضات از بین افراد معمولی برگزیده نمی‌شوند بلکه از میان اشخاصی که اطلاعاتی در امر قضا و دادرسی دارند انتخاب می‌گردند.

ج - در این سیستم، به عکس دادرسی اتهامی مباحثه و مجادله بین شاکی خصوصی و متهم جریان نمی‌یابد. به جای مدعی خصوصی، افرادی که نمایندگان جامعه هستند و شغلشان تعقیب جرایم می‌باشد (مدعی العموم)، در محاکمه شرکت می‌کنند و در برابر متهم قرار می‌گیرند که موجب محدود شدن تساوی سلاح می‌شود.

د - محاکمات سری است و افراد جامعه حق ورود به جلسه دادرسی را ندارند که بر خلاف اصول حاکم بر دادرسی عادلانه می‌باشد. البته این ویژگی امروزه نیز در تحقیقات مقدماتی باقی است و متهم و وکیل او تنها پس از پایان تحقیقات حق رویت پرونده را دارند و از آنجا که تحقیقات مقدماتی حساس‌ترین مرحله فرآیند

۱- آخوندی، محمود، کلیات و دعاوی ناشی از جرم (آیین دادرسی کیفری جلد اول)، تهران، ۱۳۸۸، ص ۸۵

کیفری است و اساس پرونده کیفری در این مرحله شکل می گیرد سری بودن، امکان ایجاد تضییق حق متهم را فراهم می کند.^۱

هـ - محاکمات کتبی و دلایل به وسیله قانون تعیین شده اند. به این معنی که این روش بر اساس سیستم دلایل قانونی می باشد و قاضی فقط حول و محور این دلایل حق اظهار نظر دارد.

این نوع سیستم برای دفاع از اجتماع و حفظ نظام موجود در آن بسیار مفید و مؤثر می باشد و بهتر از دادرسی اتهامی می تواند دفاع از اجتماع را تضمین کند اما ایراد مهم این نوع دادرسی عدم در نظر گرفتن حقوق عادلانه متهم می باشد در حقیقت فرد فدای اجتماع می شود به علاوه سری بودن و غیر ترافیعی بودن از نقاط ضعف این سیستم به شمار می آید به ویژه با توجه به وجود و حاکمیت ادله قانونی و اختیار وسیع قضات در اخذ اقرار از متهم، تجاوز به حقوق و آزادی ها فردی، در لوای این سیستم، ممکن است به وجه ساده تری صورت گیرد و افرادی بی گناه به ناحق گرفتار عقاب گردند. برای احتراز معایب سیستم های اتهامی و تفتیشی و در عین حال استفاده معقول از محاسن هر دو سیستم به تدریج روشی به وجود آمد که از دو سیستم متأثر می باشد:

بدین توضیح که جنبه های مثبت هر دو سیستم را دارا و از معایب آنها عاری است. چون دانشمندان فرانسوی در ایجاد و نضج این سیستم مختلط نقش مهمی ایفاء کرده اند و برای نخستین بار، در این کشور به موقع اجراء گذاشته شده است. لذا این روش را سیستم دادرسی فرانسوی نیز می نامند.

برحسب سیستم یاد شده رسیدگی کیفری و مرحله کشف و تحقیقات مقدماتی به صورتی است که ویژگی های سیستم تفتیشی را داراست و در مرحله محاکمه از شیوه دادرسی اتهامی بهره جسته است. از مشخصات ممتاز دیگر این سیستم، ابتکاری است که در تفکیک بین مرحله تعقیب و تحقیق به عمل آورده است؛ به این ترتیب که وظیفه تعقیب جرم به عهده دادرسان، و تکلیف تحقیق از متهم و جمع آوری دلایل به عهده قاضی تحقیق است.

۱- صابر، محمود، معیارها و تضمین دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، نشریه مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۶۳

سیستم دادرسی مختلط سرمشق و مدل بسیاری از قوانین دادرسی کیفری، کشورهای اروپایی، آسیایی، افریقایی و آمریکایی قرار گرفت، به طور کلی می توان گفت که در میهن ما نیز سیستم دادرسی مختلط حکمفرماست.^۱ البته پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جدید، در اصول دادرسی کشورها محاکم اختصاص جدیدی نیز تأسیس شده اند که به خاطر استفاده این محاکم از ویژگیهای سیستم های قبلی مثل تفتیشی این شائبه را در ذهن حقوقدانان ایجاد کرد، که آیا وجود این نوع محاکم می تواند بر یک دادرسی منصفانه تأثیر گذار باشد یا نه؟ یکی از این محاکم دادگاه انقلاب است همانطور که مشخص است این دادگاه در ابتداء انقلاب بیشتر برای رسیدگی به جرایم ضد انقلاب تأسیس شد ولی توسعه صلاحیت این دادگاه به جرایم ضد انقلاب مثل جرایمی چون مواد مخدر، جرایم مالی، قاچاق و شیوه برگزاری این نوع دادگاهها به نظر می رسد سئوالاتی را در رابطه با دادرسی عادلانه مطرح می کند که در این تحقیق سعی به بررسی آنها هستیم.

الف- ادبیات و پیشینه موضوع

جستجوی به عمل آمده حاکی از آن است که تاکنون هیچ پایان نامه و یا کتابی به طور مرتبط این دو موضوع (اصول حاکم بر دادرسی منصفانه و دادگاه انقلاب) نپرداخته اند. تنها برخی از اساتید و دانشجویان در مقالاتی پراکنده و آن هم نه به صورت مرتبط بلکه مجزا به بررسی این موضوعات تلاش نموده اند.

ب- ضرورت و اهمیت تحقیق

نظام کیفری در جامعه، به خاطر ارتباط با شخصیت افراد به نظر از سایر قوانین مربوط به آن جامعه از اهمیت زیادی برخوردار می باشد و تکاپوی نظام های مختلف در سراسر تاریخ، گواه از تلاش آنها برای رسیدن به یک نظام دادرسی عادلانه می دهد در چنین وضعی، تعدد سیستم های مختلف و روش های گوناگون آنها انگیزه والایی را برای تحقیق در جهت رسیدن به الگوی مناسب دادرسی عادلانه را برای هر محققى ایجاب می کند.

۱- آشوری، محمد، همان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

ج- سوالات تحقیق

هدف از تحقیق بررسی اصول و معیارهای دادرسی منصفانه و ارزیابی علمی هریک از آنهاست تا با رسیدن به یک تعریف متعارف از آنها، روند به کارگیری آن ها را در دادگاه انقلاب بررسی کنیم و در پایان با نتیجه گیری از بحث های مورد نظر به سوالات ذیل پاسخ دهیم.

۱- اختصاصی بودن دادگاه انقلاب تا چه حدی می تواند یک دادرسی منصفانه را تحت تاثیر قرار دهد؟

۲- آیا توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب نسبت به جرایم غیر امنیتی با اصول دادرسی منصفانه سازگار است؟

۳- آیا بقای دادگاه انقلاب با توجه به اهداف تاسیس آن امروزه ضروری به نظر می رسد؟

۴- رسیدگی دادگاه انقلاب با شیوه وحدت قاضی تا چه اندازه با موازین دادرسی منصفانه مطابقت دارد؟

۵- آیا قطعی و غیرقابل تجدید نظر بودن آراء دادگاه انقلاب در جرایم مواد مخدر با دادرسی منصفانه سازگاری دارد؟

د- روش تحقیق

روش دست یابی به هدف تحقیق نیز با توجه به نظری بودن ماهیت تحقیق به صورت مطالعات کتابخانه ای، فیش برداری، تحلیل مفاد قوانین و همچنین مطالعه و بررسی کتابها و مقالات مرتبط با موضوع آیین دادرسی کیفری و همچنین نظرات تفسیری از مراجع صلاحیتدار خواهد بود.

د- ساختار تحقیق

این پژوهش شامل دو فصل می باشد که در فصل نخست تاریخچه دادگاه انقلاب و مراحل پیش دادرسی متهم در قبل از ورود به دادگاه انقلاب بررسی شده است و در فصل دوم مراحل دادرسی و پس از محاکمه در این دادگاه بررسی شده و در نهایت اقدام به نتیجه گیری و پاسخ به سوالات پایانامه کرده ایم.

فصل اول

دادگاه انقلاب و اصول ناظر بر دادرسی منصفانه در مرحله

پیش از محاکمه